

www.vcmstudy.ir

یادداشت



نفت و گاز، پتروشیمی، صنایع تکمیلی

رگولاتوری و توسعه پایدار اقتصادی

تاریخ انتشار: ۲۶ بهمن ۱۳۹۶



VCM
Study
www.vcmstudy.ir



همه کشورها به دنبال تحقق توسعه پایدار و صد البته توسعه پایدار اقتصادی خود هستند. شاید بهتر باشد در ابتدا تفاوت بین دو واژه پایداری (Sustainability) و ثبات (Stability) تشریح شود. به همین منظور برای شروع؛ تفاوت دو واژه ثبات و پایداری روشن خواهد شد. (به منظور فهم هر چه بهتر سعی شده است که برای انتقال هر چه بهتر مفهوم از محتوای ارائه شده در وب سایت متمم نیز استفاده شود.) در ادامه مفهوم رگولاتوری و جایگاه آن در حکمرانی خوب تبیین شده است به این نکته باید توجه داشت؛ زمانی که از پایداری سخن می‌گوییم، سوال مهم این است که: «آیا این شیوه می‌تواند همیشه برقرار بماند؟»

حالا بهتر می‌توان فهمید که وقتی مطالعات حوزه‌ی کسب و کار می‌گویند: «رشد کند شرکت‌ها با تکیه بر منابع مالی داخلی» می‌تواند «پایدارتر» از «رشد سریع شرکت‌ها با تکیه بر تزریق‌های مالی» باشد، چه چیزی را مد نظر قرار داده‌اند. یا اینکه وقتی متخصصان مدیریت منابع انسانی می‌گویند که: «افزایش سطح حقوق نقدی پرداختی به کارکنان» روش «پایدار»ی برای «افزایش سطح رضایت» نیست، منظورشان چیست. آنها معتقدند که افزایش پرداخت نقدی به کارکنان، در کوتاه مدت می‌تواند رضایت را افزایش دهد، ولی با افزایش سطح توقع کارکنان، دیر یا زود، «رضایت» به سطح قبلی کاهش پیدا خواهد کرد و «پایدار» نخواهد ماند.

بعضا مشاهده می‌شود که ما در زبان فارسی، هر دو واژه‌ی Sustainability و Stability را به عنوان پایداری ترجمه می‌کنیم. در حالی که این دو مفهوم، در بسیاری از موارد در تضاد و تعارض با یکدیگر قرار می‌گیرند! ثبات را به معنای تغییر نکردن و یا تغییرات جزئی در نظر می‌گیرند. بازار خودرو در دهه‌های گذشته، برای خودروسازان، یک بازار با ثبات بود. مشتری همیشه وجود داشت. خودروهای خارجی حق ورود به بازار را نداشتند. رقیب جدی نه وجود داشت و نه حق داشت به وجود بیاید. گاهی هم دولت‌ها بازار ارز را به سمت ثبات می‌برند. نرخ‌ها را به شدت کنترل می‌کنند و مراقب هستند که تغییر جدی در قیمت‌ها ایجاد نشود.

دنیای امروز دنیای تغییر و نتیجتاً افزایش پیچیدگی‌ها است و کم نیستند مواردی که ثبات (خصوصاً اگر با کنترل بیرونی ایجاد شده باشد) سیستم را به سمت نابودی حرکت دهد. وقتی که دولت بازار خودرو را به زحمت به سمت ثبات می‌برد، عملاً امنیت ذهنی تولیدکنندگان و دست‌اندرکاران، باعث می‌شود توجه کمتری به کیفیت محصول داشته باشند و احساس کنند که دولت، مانند یک پدر قدرتمند، ضعف‌های آنها را پوشش می‌دهند. امنیتی که در دهه‌های قبل برای صنعت خودرو ایجاد شد و حاصلش را هم کشور تجربه کرد.





ثبات اگر برای سیستم‌ها تضمین‌کننده‌ی امنیت باشد، همچنین می‌تواند فساد آفرین باشد. دراکر در یک جمله هوشمندانه می‌گوید: *Stability kills Awareness*. ثبات و عدم تغییر، «آگاهی و توجه به محیط» را می‌کشد.

در مقابل، پایداری در یک سیستم، به معنای بقاء آن حتی در برابر تغییرات بیرونی و فشارهای محیطی است. سازمانی که در آن، مدیر ناتوان به سادگی کار خود را از دست بدهد و مدیر توانمند مطمئن باشد که کار خود را خواهد داشت، شاید باثبات نباشد، اما پایدار خواهد بود. چنین سازمانی بهتر از هر سازمان دیگری می‌تواند خود را با رشد و تغییرات محیط سازگار کند.

می‌توان گفت: استفاده بیشتر از تکنولوژی، ثبات یک سازمان را کم می‌کند، اما پایداری آن را افزایش می‌دهد. می‌توان گفت: گونه‌های طبیعی به تنهایی برای ثبات تلاش می‌کنند. اما طبیعت با ایجاد تنازع برای بقاء، به پایداری خود فکر می‌کند. این همان مفهوم اکوسیستم (زیست بوم) است!

حال اگر برگردیم و با منطق و مدل ذهنی حکمران به توسعه پایدار کشورها توجه نماییم. خواهیم دید که حکومت‌ها (governments) در راستای تحقق اهداف توسعه پایدار اقتصادی خود از دو ابزار سیاست‌های مالی و پولی استفاده می‌نمایند. الف) سیاست‌های مالی: در واقع سیاست‌های دولت درباره سطح مخارج دولت (هزینه) و ساختار مالیاتی (درآمد) است. پر واضح است که تغییر در ساختار و ترکیب درآمد و هزینه‌های دولت متغییرهای زیر را تحت تاثیر قرار می‌دهد:

توزیع درآمد

الگوی تخصیص منابع

سطح فعالیت‌های اقتصادی (تقاضای کل)

ب) سیاست‌های پولی: فرایندی است که به وسیله آن مقامات پولی یک کشور عرضه پول را اغلب با هدف تنظیم نرخ بهره به منظور رشد اقتصادی، پایداری و ثبات نسبی قیمت‌ها و کاهش بی‌کاری کنترل و مهار می‌کنند. دست یافتن به اهداف سیاست‌های پولی نیازمند به کارگیری ابزارهایی است از جمله؛

نرخ بهره

نرخ سپرده قانونی

نرخ تنزیل مجدد

کنترل کمی و کیفی اعتبارات

شرکت در عملیات بازار باز





یادداشت

نفت و گاز، پتروشیمی، صنایع تکمیلی



اما این تمام ماجرا نیست، گذر زمان و اعمال هر یک از سیاست های فوق الذکر و بررسی رفتارهای متقابل از سمت بنگاه ها، خانوار و دولت ها سبب شده است که سیاست هایی مکملی با نام سیاست های تنظیم گری (Regulatory Policy) نیز ظهور و نمود پیدا کنند.

تنظیم گری به دنبال ایجاد یک تعادل و تعامل پایدار بین حسابداری ذهنی (Mental Accounting) بنگاه ها (تولیدکنندگان)، خانوار (مصرف کنندگان) و نهایتاً دولت ها در راستای حداکثر کردن کارآمدی و اثربخشی سیاست های مالی و پولی است. در واقع زمانی می توان انتظار اثربخشی سیاست های مالی و پولی را در بخش های مختلف حس نمود که این سیاست ها منطبق با واقعیت های حاکم در آن بخش باشد. واقعیت هایی که از وجوه و متغیرهای مختلفی تاثیر می پذیرد. این را خوب می دانیم که به منظور پیشبرد اهداف تعیین شده در بخش های مختلف نیاز است که چهار کارکرد ذیل به صورت یکپارچه (Integrate) و هماهنگ (Coordinate) تعریف و اجرا گردند:

سیاست گذاری (Policy Maker)
تنظیم گری (Regulator)
توسعه گری (Developer)
بهره برداری (Operator)

دو کارکرد سیاست گذاری و تنظیم گری از وظایف یک حکمران خوب (Good governance) است. زمانی یک سیاست اثربخش و کارآمد شناخته می شود که؛

نقش مشاوره ای (Consultation)،
ارتباطات (Communication)،
همکاری (Cooperation)
هماهنگی (Coordination)

بین ذی نفعان حاضر در کلیه مراحل اجرا و پیاده سازی سیاست ها به خوبی تعریف و اعمال شوند.

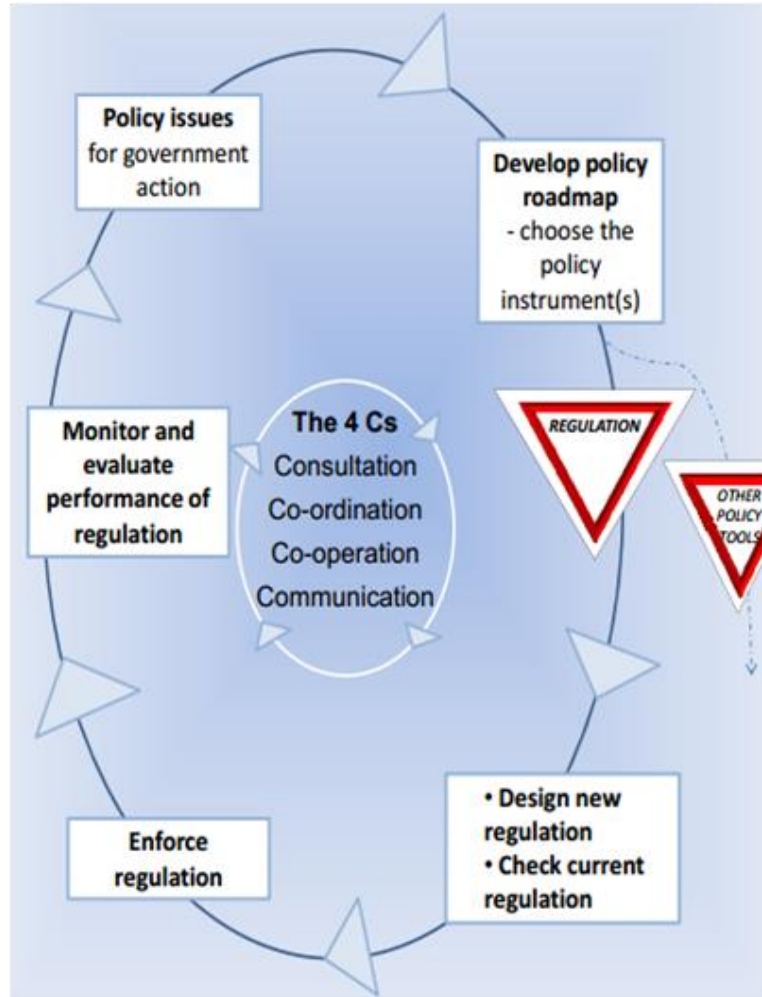


یادداشت

نفت و گاز، پتروشیمی، صنایع تکمیلی



مرکز مطالعات زنجیره ارزش



یادداشت

نفت و گاز ، پتروشیمی، صنایع تکمیلی



کارکرد اصلی تنظیم‌گری در واقع همچون اهرمی است که در جایگاه یک ابزار مکمل به دنبال حک و اصلاح سیاست‌های مالی و پولی دولت‌ها است. در واقع به منظور پیاده‌سازی مفهوم رگولاتوری در ابتدا باید به سه پرسش پاسخ داده شود:

۱. چه چیزی باید تنظیم شود؟

۲. چه کسی باید تنظیم‌گری نماید؟

۳. چطور باید تنظیم‌گری صورت گیرد؟

در انتها باید این مهم را مورد تاکید قرار داد که نبود کارویژه‌های تنظیم‌گری در کنار سیاست‌های اصلی مالی و پولی موجب؛ عدم شفافیت، عدم مشروعیت، از دست رفتن سرمایه‌های اجتماعی حاکمیت و عدم انسجام خواهد شد. لذا بدیهی به نظر می‌رسد که رمز توسعه پایدار اقتصادی کشورها به کارگیری ابزارهای تنظیم‌گری هوشمندانه است تا بتواند پایداری را جایگزین ثبات نمایند. متأسفانه عدم به کارگیری موثر چنین ابزاری در کشور موجب ناکارآمدی‌های زیادی شده است.



یادداشت

نفت و گاز، پتروشیمی، صنایع تکمیلی

مرکز مطالعات زنجیره ارزش معتقدست که توسعه پایدار و یکپارچه زنجیره ارزش کشور نیز مستلزم به کارگیری کارکردهای تنظیم‌گری بخشی این حوزه است تا منافع ملی را با منافع بنگاهی همراستا نماید. این مهم رمز عبور از وضعیت موجود است. در حال حاضر بسیاری از سیاست‌های مالی و پولی دولت، حسابداری ذهنی ذی‌نفعان فعال در عرصه صنعت پتروشیمی را در راستای منافع ملی تحریک نمی‌نماید. لذا نیاز است که با تامل هر چه بیشتر و مبتنی بر رویکردهای جدید اقدام به تنظیم‌گری نمود. مدل ذهنی سنتی و مبتنی بر شهود قادر به رفع معضلات موجود نخواهد بود. مدیران باید با نگاهی سیستمی (جامع بینی + آینده بینی) اقدام به تصمیم‌گیری و تنظیم‌گری نمایند.





www.vcmstudy.ir

امیدواریم از مطالعه این سند، استفاده مفید برده باشید
نقطه نظرات، انتقادات و پیشنهادات خود را از طریق ایمیل زیر با ما در میان بگذارید

VCMStudy@gmail.com